



عدالت

پرسش: عدالت **خداوند** را که یکی از **اصول دین** ما است به صورت شفاف و با ذکر مثال توضیح دهید؟

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی عدل
- ۲ - تعریف عدالت در کلام امیر المؤمنین
- ۳ - عدالت خداوند
 - ۳.۱ - عدالت در حوزه آفرینش
 - ۳.۲ - عدالت در حوزه قانون گذاری
 - ۳.۳ - عدالت در حوزه جزا
- ۴ - معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

معنای لغوی عدل

پاسخ:

عدل در لغت به معنای راستی و درست‌ی، برابری و **انصاف** در داوری آمده است.^[۱] راجب عدل را به معنای تقسیم کردن به طور مساوی دانسته است.^[۲] و این منظور می‌گوید: عدل عبارت است از هر چیزی که در ذهن مردم درست، مستقیم و راست باشد و در مقابل **جور** قرار دارد.^[۳]

تعریف عدالت در کلام امیر المؤمنین

در **روایتی** از **امیر المؤمنین علی** - علیه السلام - آمده است: عدالت عبارت است از وضع و قرار دادن هر شی در جایگاه مناسب آن.^[۴] این تعریفی جامع است و در تمامی موارد کاربرد عدل این معنا به نحوی در نظر گرفته شده است.

عدالت خداوند

عدل در موارد مختلف به کار می‌رود، در مورد کارهای **انسان** استعمال می‌شود و خداوند هم متصف به عدل می‌شود. به طور کلی، خداوند از دو جهت متصف به عدل می‌شود: ۱. از آن جهت که **جهان آفرینش** را بر اساس عدل آفریده است، در **حدیث** نبوی آمده است و بالعدل قامت السموات و الارض.^[۵] (توسط عدل **آسمانها** و **زمین** استوار باقی مانده است). ۲. از آن جهت که خداوند قوانین و دستورات عادلانه را وضع نموده و توسط **پیامبر** به ما ابلاغ کرده است. و مفهوم عدالت در این حوزه از یکدیگر متفاوت است ولی در هر دو حوزه دو پرسش اساسی وجود دارد:

۱. عدالت چیست؟
۲. با چه معیاری می‌توان عادلانه بودن یک آفرینش و قانون را به دست آورد؟

← عدالت در حوزه آفرینش

قبل از پاسخ به این پرسش به این مثال توجه نمایید: اگر فرض کنید نقاش چیره دستی وجود دارد که در صد است اثر هنری بدیعی را بیافریند، در صورت فراهم بودن امکانات و وسایل لازم، هنرمند تمام تلاش خود را در جهت آفرینش اثر هنری زیبا و عالی به کار می‌بندد و در نهایت، اثر هنری هنرمندانه‌ای می‌آفریند. شما در چه صورت این اثر را متصف به عدل می‌کنید؟ دقت شود.
با توجه به این مثال، وقتی ما به رابطه جهان و خداوند می‌نگریم، می‌بینیم جهان اثر خداوند است و خداوند خالق این اثر است و ذات باری تعالی از **علم** لازم و فراوان جهت ایجاد اثر عالی برخوردار است و **قدرت** بر ایجاد آن را دارد و از اوصاف او **حکمت** است، یعنی کارها را در نهایت اتقان و محکمی انجام می‌دهد، بنابراین از نظر فاعلی هیچ منع و محدودیتی وجود ندارد، در این که خداوند جهان آفرینش را در نهایت جمال و زیبایی، اتقان و استحکام بیافریند. با قطع نظر از فاعل، اگر ما به اثر بنگریم جهان **طبیعت** را که پست‌ترین عالم از **عوامل وجود** است، در نهایت زیبایی، اتقان و تناسب می‌بینیم، درخت را با توجه به نحوه وجودی او دارای ریشه‌های عمیق، تنه محکم و شاخسار بلند قرار داده است. میان ریشه، تنه و شاخه یک نوع تناسب و موزون بودن خاص حاکم است. شیر قوی پنجه را با توجه به نیرومندی او، نحوه **تغذیه** او را گوشت **حیوانات** دیگر قرار داده است که برای به دست آوردن آن تلاش زیاد لازم است، در مقابل، تغذیه کرم کوچک زمین را با در نظر داشت ضعف او، خاک قرار داده است. اگر ما به دقت بنگریم میان اجزای تک تک **موجودات** طبیعی و میان اشیا و مولفه‌های عالم طبیعت یک نوع تناسب و توازن خاص حاکم است که این توازن و تناسب را **آفریدگار** جهان عطا کرده است. و این تناسب و موزون بودن زیبایی خاصی را جلوه‌گر ساخته است به گونه‌ای که یک نقاش خوب در صورتی نقاش خوبی است که زیبایی‌های طبیعت را به خوبی تصویر نماید.
با توجه به مثالی که در ابتدا اشاره کردیم، می‌خواهیم بگویم، عدل در حوزه جهان آفرینش عبارت است از موزون بودن و هماهنگی کامل میان اجزا و مؤلفه‌های عالم وجود؛ که این تناسب و توازن از جانب خداوند عطا شده است، و ما از دو طریق این عدالت را کشف می‌کنیم: ۱. از راه اینکه خداوند **علیم** و **قادر** و **حکیم** است و کارهای خود را بر اساس علم، قدرت و حکمت خود در نهایت احکام و اتقان ایجاد می‌نماید و هیچ منعی از فیض او نیست. ۲. از راه مطالعه آثار و عالم طبیعت که موزون بودن اجزا و مؤلفه‌های عالم طبیعت، برای ما به نحو **شهودی** معلوم و مشهود است. البته ممکن است در موارد نادری، برخی از موجودات به کمال شایسته خود نرسد، این امر منافات با عدل ندارد زیرا جهان طبیعت عالم تراجم است.^[۶]

← عدالت در حوزه قانون گذاری

قبل از توضیح این امر به این مثال توجه نمایید: فرض کنید پدری دارای سه فرزند است یکی از آنان عالم، دانشمند و اهل قلم و کتاب است و دیگری نجار است و سومی کشاورز است. اگر شخصی ثالثی اموالی را به آنان ببخشد که حاوی قلم، کتاب، آلات نجاری و کشاورزی است و پدر را مسئول تقسیم قرار داد، که میان آنان عادلانه قسمت نماید. سه فرض در مقام قسمت متصور است:

۱. هر شیء را سه قسمت کند، قلم سه قسمت، کتاب سه قسمت، و هر قسمت را سهم یکی از آنان قرار دهد.

۲. بدون موجب و مزیتی هر کدام از وسایل را به یکی از آنان بدهد.

۳. با توجه به تناسب هر کدام، اشیا را میان آنان تقسیم نماید. فی المثل آلات کشاورزی و نجاری را برای کشاورز و نجار قرار دهد و قلم و کتاب را برای عالم و دانشمند. واضح است گزینه سوم عادلانه‌ترین راه قسمت است.

با توجه به مثال فوق عدالت در حوزه **قانون‌گذاری** را می‌توانیم این چنین تعریف نماییم: عدالت عبارت است از دادن حقی به ذی **حق** آن. بنابراین، معیار در این عدالت رعایت حق است. و کسی می‌تواند حقوق انسان و سایر موجودات طبیعی را به خوبی رعایت کند و حق را به ذی حق دهد که بر تمامی جنبه‌های وجودی انسان احاطه داشته باشد و از مسیر **سعادت** و انحطاط بندگانش آگاه باشد، و او خداوند است. لذا با توجه به این خصوصیات فواین خود را وضع می‌کند، هر چند ممکن است در قوانین او تفاوت‌هایی به نظر برسد اما این تفاوت، مثل تفاوتی است که در تقسیم اشیا در مثال فوق وجود داشت، و ناشی از حکمت الهی می‌باشد و تبعیض و **ظلمی** در کار نیست.^[۷]

منشأ ظلم یکی از دو امر است: یا **جهل** به حق و صاحبان آن است و یا منتفع شدن **ظالم** از کار خویشتن می‌باشد و هر دو احتمال در مورد خداوند منتفی است؛ نه او جهل به **احکام** و حقوق و صاحبان آن دارد و نه انتفاعی در کار است. بلکه او مهربان و رؤوف است و لازمه **رافت** او این است که قوانینش عادلانه باشد.^[۸]

به هر حال ما به عدالت خداوند در حوزه آفرینش و قانون‌گذاری ایمان داریم، نه از آن رو که با عقل خودمان تک تک موارد آفرینش و قوانین الهی را محک بزنیم، چون **عقل** ما ضعیف‌تر از آن است که به همه جهان آفرینش و خصوصیات آن و رمز و راز قوانین آگاهی داشته باشد، هر چند موارد جزئی را ادراک می‌کند، بلکه از آن جهت خداوند را متصف به عدالت می‌دانیم که او حکیم و رؤوف و بندگان خود می‌باشد و هر آنچه از آفرینش و **قانون** جعل می‌کند از سر حکمت و رافت است.

← عدالت در حوزه جزا

عدالت در حوزه سوومی نیز به کار می‌رود و آن عدالت در جزا است. قبل از توضیح این قسم به این مثال توجه کنید: اگر نهادی و یا مقام مسئولی اعلام نماید: هر کسی در مسابقه مقاله نویسی در موضوع خاص و یا **شعر** و **داستان** حایز رتبه شود، مثلاً یک میلیون تومان به او **پاداش** داده خواهد شد، بعد چنانچه کسی و یا کسانی واجد شرایط دریافت پاداش شود و مقام و یا نهاد مسئول، پاداش را نپردازد، آیا این کار عادلانه است؟ واضح است هیچ کسی این عمل را عادلانه ارزیابی نمی‌نماید.

مثال دیگر: اگر انسان **کریمی** جمعی را چند روزی میهمان خود قرار دهد و بخشی از اموال خود را در اختیار آنان قرار دهد و از تعدی و تجاوز نسبت به بخشی دیگر آنان را برحذر دارد و در صورت تعدی مجازات خاصی را بر آنان ابلاغ نماید، تردیدی نیست صاحب خانه چنین حقی را دارد و در صورت افراط میهمانان حق دارد آنان را بر اساس اعلام و قراردادی که کرده است **مجازات** نماید و اگر نکند از روی بزرگواری و تفضل است، البته لازم است میان **کیفر** و **جرم** تناسبی باشد. خداوند نیز در مقام پاداش و کیفر عادل است لذا در مقابل **اعمال نیک**، نیکوکاران آنان را پاداش می‌دهد و بدکاران به سبب کارهای زشت‌شان مستحق کیفر متناسب با جرم‌شان است و اگر خداوند **عفو** نماید منافات با عدل او ندارد، بلکه کار مستحسنی است.^[۹] این قسم از عدالت در واقع به عدالت در نظام آفرینش بازگشت می‌نماید.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. عدل الهی، شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم.
۲. بیست گفتار، شهید مطهری، گفتارهای ۱، ۲، ۳ و ۵.
۳. در هوای حق و عدالت، ضیاء موحد، نشر مرکز فرهنگی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۱ تهران.
۴. فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات و دیگران، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱، قم، واژه عدالت اجتماعی.

پانویس

- ↑ المنجد فی اللغة، ماده عدل.
- ↑ راغب الاصفهانی، مفردات القرآن.
- ↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۳۰.
- ↑ نهج البلاغه، حکمت ۴۲۷.
- ↑ تفسیر صافی، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن.
- ↑ ر.ک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۸ - ۸۴.
- ↑ ر.ک: سعیدی مهر، مجد، کلام اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۸.
- ↑ همان، ص ۳۲۹.
- ↑ ر.ک: سعیدی مهر، کلام اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۲۸.

منبع

اندیشه قم. 

رده‌های این صفحه: **کلام** | **خدا شناسی** | **صفات الهی** | **عدل الهی**